

Comparative Study of Legal Arrangements Applicable to the Joint Operating Agreements in Iranian, English and US Laws

Mahdi Abbasi Vafaei^{1✉}  Seyed Ali Seyed Ahmadi Sajadi² 

1. Corresponding author, Department of Energy and International Trade Law, Faculty of Law, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: mahdi_abbasi60@ut.ac.ir
2. Department of Private Law, Faculty of Law, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: sahmadi@ut.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	Due to the existence of joint operations, IOCs are faced with the challenge that they may apply domestic rules regarding partnership. This article, by comparative study of English, US and Iranian law, addresses the issue of under what terms the domestic rules of partnership apply to the JOA and what solutions can be modelled to prevent the application of these provisions to the JOA. The application of the domestic rules of "Partnership" in English law is subject to the joint lifting and the sale of oil and gas produced and "Mining Partnerships" in American law is subject to the joint management and control of oil operations by the parties and "civil company" in Iranian law is subject to the existence of common ownership. Despite agreement of the parties, the courts may still apply the above rules, so in the case of UK-influenced JOAs, each party is committed to the individual lifting and sale of oil and gas produced, and in the case of US-influenced JOAs, the operating committee does not exist. In Iranian law, the provisions of the Maximum Use Act of 2019 prescribes two forms of commercial company or Economic Group with Common Interests.
Article history: Received: 2026 February 2 Revised: 2026 August 20 Accepted: 2026 August 23	
Published online:	
Keywords: <i>Joint Venture, Partnership, Joint Operations, Mining, Oil and Gas.</i>	

Cite this article: Last Name, Initial., Last Name, Initial., & Last Name, Initial. (2024). Title of paper in lower case letters (except for initial letter of first word, initial of first word after a colon, and proper nouns). *Academic Librarianship and Information Research*, 58 (X), 1-20. <http://doi.org/00000000000000000000>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press

DOI: <http://doi.org/000000000000000000000000>

مehدی عباسی وفائی¹، و سیدعلی سیداحمدی سجادی²

mahdi_abbasi60@ut.ac.ir

2. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. sahmadi@ut.ac.ir؛ ایماننامه:

.1-20 ,(1)



<http://doi.org/00000000000000000000000000000000>

© نویسندگان.

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

زمانی که قرار است یک پروژه بالادستی نفتی به صورت مشترک توسط دو یا چند شرکت بین‌المللی نفتی انجام شود، بین آنها قرارداد عملیات مشترک منعقد می‌گردد. این قرارداد با عناوین دیگری نیز شناخته می‌شود، از جمله مشارکت در سرمایه‌گذاری (جوینت ونچر)، بهره‌برداری مشترک و شرکت‌نامه (شیروی، 1393: 373).

این قرارداد ممکن است هم برای میادین مستقل و هم برای میادین مشترک به امضا برسد. در صورتی که قرار باشد میدان مشترک تحت عملیات مشترک قرار گیرد، قراردادی تحت عنوان قرارداد یکی‌سازی (قرارداد عملیات یکپارچه)^۱ بین طرفها منعقد که در این قرارداد، علاوه بر نحوه یکی‌سازی میدان، نحوه انجام عملیات مشترک در این قرارداد قید خواهد شد، همچنانکه که در نمونه قرارداد یکی‌سازی انجمن مذاکره‌کنندگان بین‌المللی نفتی نیز همین قضیه رخ داده و در راهنمای ارائه شده از سوی این انجمن برای این نمونه قرارداد، به این موضوع اذعان شده است (AIPN, 2006: 1-2). با اینحال، عملیات مشترک درخصوص میادین مشترک (به ویژه میادین مشترک بین کشورها) به لحاظ نقش حاکمیت، تعدد نظام حقوقی، تعارض منافع اقتصادی و امنیت ملی و مصالح عمومی تا حدودی متفاوت از عملیات مشترک درخصوص میادین مستقل است.

گرد هم آمدن چند شرکت نفتی جهت انجام عملیات بالادستی نفتی، امکان حاکمیت مقررات داخلی کشورها درخصوص انواع قالبهای قانونی شراکت (اعم از شرکت مدنی یا تجاری و نیز گروه‌های شرکتی) بر قرارداد عملیات مشترک را فراهم می‌آورد. توافق صریح طرفها مبنی بر عدم وجود شراکت در روابط بین آنها و همچنین انتخاب قانون یک کشور خاص بعنوان قانون حاکم نمی‌تواند از اعمال این مقررات از سوی مراجع قضایی جلوگیری نماید (Fowler, 2019: 406).

به همین دلیل، لازم است، از طریق بررسی پرونده‌های قضایی، این پرسش پاسخ داده شود که چه شرایطی باید فراهم گردد که مقررات داخلی مربوط به قالبهای قانونی شراکت بر قرارداد عملیات حاکم شود؟ این الزامات قانونی چه تأثیری بر ساختار و شروط نمونه قراردادهای موجود گذاشته است؟ در جهت مطالعه تطبیقی، آیا ضرورتی بر وجود این گونه ساختارها در قراردادهای تحت حاکمیت قانون ایران دارد یا خیر؟ پاسخ به این پرسش از این جهت ضروری است که قرارداد عملیات مشترک اساساً در بستر نظام

¹ Unit Operating Agreement (UOA)/Unitization Agreement

حقوقی کامن‌لا رشد و توسعه یافته که این امر بر اصطلاحات و مفاهیم موجود در نمونه قراردادهای عملیات تأثیرگذار بوده و موجب شده پژوهشهای (see: Pereira, 2015) از نظام حقوق نوشته جهت تطبیق مفاهیم کامن‌لایی این نمونه قراردادها انجام شود. حتی انجمن مذاکره‌کنندگان بین‌المللی نفتی^۱ (که یکی از مهمترین نمونه قراردادهای عملیات مشترک را ارائه داده است)، نیز در راهنمای نمونه قرارداد خود، جهت تطبیق مفاهیم قراردادی موجود حقوق نوشته ارائه داده است (AIPN, 2012:2-8). یکی از مهمترین (یا شاید مهمترین) مسائل ویژه نظام کامن‌لا که بر قرارداد عملیات مشترک و مفاهیم و مفاد این قرارداد نیز تأثیرگذار بوده، امکان حاکمیت و اعمال قوانین مربوط شرکت یا گروه شرکتی بر این قرارداد است. در این تحقیق فرض بر آن است که ساختار قراردادی و شروطی که در نمونه قراردادهای موجود جهت جلوگیری از اعمال مقررات داخلی مربوط به شراکت در نظام کامن‌لا طراحی شده برای قراردادهای تحت حاکمیت حقوق ایران ضرورتی ندارد.

اهمیت عملی این پرسش‌ها در سالهای اخیر، به‌ویژه با تصویب نسل جدید قراردادهای بالادستی نفتی ایران (IPC) که قانون ایران را به‌عنوان قانون حاکم تعیین می‌کند، دوچندان شده است. فعالان حوزه نفت و گاز تمهیدات قراردادی رایج در نمونه‌های کامن‌لایی (از قبیل تعهد برداشت انفرادی نفت و گاز تولیدی یا حذف کمیته راهبری) در بستر حقوق ایران، تا چه اندازه می‌تواند کارایی حقوقی مدنظر نگارندگان قرارداد را داشته باشد. پاسخ به این پرسش از آن جهت اهمیت دارد که خطای در تحلیل می‌تواند موجب شود شرکت‌ها با یک قالب قانونی ناخواسته (شرکت مدنی یا شرکت تضامنی) روبه‌رو شوند که آثار حقوقی، مالیاتی و مسئولیتی آن از پیش‌بینی طرفین خارج است.

لازم به ذکر است پرسش اصلی پژوهش حاضر می‌تواند با قراردادهای یکی‌سازی^۲ نیز ارتباط پیدا کند به این شرط که پس از یکی‌سازی مخزن، توافق طرف‌ها بر انجام عملیات به صورت مشترک بوده و طرف‌های قرارداد یکی‌سازی، اشخاص خصوصی باشند. اگر توافق یکی‌سازی مخزن در سطح دولت‌ها (و نه مالکین خصوصی یا صاحبان امتیاز نفتی) باشد، اهمیت بحث به کمترین سطح خود می‌رسد زیرا هیچ دولتی حاضر نمی‌شود که توافقنامه یکی‌سازی یا توافقنامه عملیات مشترک ناشی از یکی‌سازی تحت

¹ Association of International Petroleum Negotiators (AIPN)

² unitization agreement

حاکمیت قانون داخلی یکی از کشورها قرار گیرد. بنابراین، پرسش پژوهش حاضر صرفاً در جایی می‌تواند کارایی دارد که میدان نفتی بین دو کشور مشترک نباشد بلکه میدان داخلی یکی از کشورها بین دو یا چند شرکت پیمانکار بالادستی با انعقاد قرارداد تحت عملیات مشترک قرار گیرد.

در این پژوهش، ابتدا قالبهای قانونی کامن‌لا و شرایط اعمال آن نسبت به قرارداد عملیات مشترک نفتی مورد بررسی و سپس قالبهای قانونی که ممکن است نسبت به قرارداد عملیات مشترک نفتی در حقوق ایران اعمال گردد با مقایسه با کامن‌لا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. قالبهای قانونی کامن‌لا و شرایط اعمال آن

در نظامهای حقوقی انگلستان و آمریکا، قرارداد عملیات مشترک ممکن است تحت عنوان «شراکت»، «شراکت معدنی» یا «جوینت‌ونچر» شناسایی و آثار قانونی این قالبها بر قرارداد اعمال گردد. این قالبها و شرایط شناسایی آنها ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. شرایط ایجاد شراکت (Partnership) و راهکار جلوگیری از اعمال مقررات آن نسبت به قرارداد عملیات مشترک نفتی

۲-۱-۱. شرایط ایجاد شراکت و خصائص آن

بند 1 ماده 1 قانون شراکت مصوب 1890 انگلستان، شراکت را بدین ترتیب تعریف می‌نماید: «شراکت رابطه‌ای است میان چند شخص برای انجام کسب و کار بطور مشترک با هدف رسیدن به سود». مشترک بودن مالکیت یا حق تصرف یا داشتن درآمد (ناخالص)^۱ مشترک بین دو یا چند شخص لزوماً منجر به ایجاد شراکت نمی‌شود اما شریک بودن سود^۲ (درآمد خالص) اماره (نه دلیل قطعی) بر وجود شراکت است (ماده 2 قانون فوق).

اگرچه شراکت شخصیت حقوقی جدا از شرکا ندارد، اما در برخی موضوعات برای شراکت، از شرکا مستقل هستند، مثلاً از لحاظ مالیاتی یا امکان اقامه دعوی علیه شراکت. قراردادهایی که به نام شراکت بسته می‌شود، علیه شرکا قابلیت اجرا دارد (Blackett-Ord and Haren, 2015:206). شراکت می‌تواند به طور مستقیم اشخاصی را استخدام کند و می‌تواند مستقلاً از شرکا مالک اموال شود. لذا، شرکا نسبت به اموال شراکت، مالکیت مشاعی نخواهند داشت (ماده ۲۰ قانون شراکت مصوب 1890) و در نتیجه

¹ gross returns

² profits

مالکیت شرکا نسبت به اموال شراکت، پس از انحلال و کسر دیون شراکت تحقق می‌یابد (ماده 39 قانون شراکت 1890).

ایجاد شراکت منوط به ایجاد سرمایه (مشترک) است. هریک از شرکا آورده را باید داشته باشد که این آورده‌ها یک کاسه¹ شده و برای انجام موضوع شراکت به کار گرفته می‌شود. همچنین، هریک از شرکا حق دریافت سهم نقدی خود از منافع انجام موضوع شراکت را خواهند داشت. از آنجایی که در شراکت، تولیدات حاصل از پروژه موضوع شراکت به فروش رسیده و عواید حاصل از فروش بین شرکا تقسیم می‌گردد، لذا در این نوع قالب برای دفتر حساب سود و زیان نیز نگهداری می‌شود.

در ماده 30 قانون شراکت مصوب 1890 پیش‌بینی شده که چنانچه یکی از شرکا کسب و کار رقابتی و مشابهی انجام دهد، منافع حاصل از آن کسب و کار مشابه باید به حساب شراکت گذاشته شود. در شراکت، پس از تحقق انتقال حقوق به ثالث یا خروج، انتقال‌دهنده یا شریک خارج شده در مقابل کلیه طرفها از تعهدات و مسئولیتها مبری می‌گردد (ماده 17 قانون شراکت مصوب 1890). همچنین، شراکت با اعلام انحلال از سوی یکی از شرکا یا فسخ ایشان به دلیل ورشکستگی یا افلاس سایر شرکا، منحل می‌گردد. (بند ج ماده 32 و بند 1 ماده 33 قانون شراکت).

۲-۱-۲. راهکار جلوگیری از اعمال مقررات شراکت بر قرارداد عملیات مشترک نفتی
ساختار نمونه قراردادهای عملیات مشترک به گونه‌ای طراحی شده که مقررات شراکت بر این قرارداد حاکم نگردد. نمونه قرارداد انجمن مذاکره‌کنندگان بین‌المللی نفتی، اگرچه به عنوان یک نمونه قرارداد جهان شمول ارائه گردیده، ساختار خود را براساس مقررات حقوق انگلستان و جلوگیری از اعمال مقررات شراکت بر این نمونه قرارداد بنا نهاده است. لذا، در اینجا محوریت بر راهکارهایی است که در این نمونه قرارداد آمده است.

نخستین ویژگی شراکت، لزوم تشکیل سرمایه است. جهت افتراق با شراکت، در قرارداد عملیات مشترک، جهت تأمین مالی عملیات به جای تشکیل سرمایه، مقرر می‌شود که هریک از طرفهای قرارداد به نسبت سهم خود (در قالب درخواست وجه^۲ یا درخواست پرداخت فاکتور^۳) به صورت موردی هزینه‌های

¹ pool

² cashcall

³ invoice request

عملیات را به راهبر پردازد. در تعریفی که نمونه قرارداد انجمن مذاکره‌کنندگان بین‌المللی نفتی برای درخواست وجه و نیز سهم ارائه داده است، می‌توان ساختار و نحوه تأمین مالی را مشاهده نمود. ویژگی بعدی شراکت این است که آنچه که نهایتاً بین شرکا تقسیم و تسهیم می‌شود، سود خالص است. به همین جهت در قراردادهای عملیات مشترک قید می‌گردد به جای اینکه نفت و گاز تولیدی فروخته و حاصل فروش بین طرفها تقسیم شود، در قرارداد قید می‌گردد که هریک متعهد به برداشت سهم خود از نفت و گاز تولیدی هستند. به همین دلیل، در قرارداد عملیات مشترک صرفاً دفتر حساب هزینه و مخارج نگهداری می‌شود و برای حساب سود و زیان، دفتری نگهداری نمی‌گردد. در استرالیا، به موجب قاعده پرونده بکنهام علیه پورت جاکسون¹ در سال 1957، عدم وجود حساب سود و زیان‌نامه‌ای بر این است که شراکت وجود ندارد. با اینحال، در برخی موارد ممکن است حساب سود و زیان نیز برای قرارداد عملیات مشترک نگهداری شود. بعنوان مثال، تجهیزات مربوط به عملیات مشترک به اشخاص ثالث اجاره داده شود (Taylor and Tyne, 1992: 25-6; Roberts and Fowler, 2020: 304).

برخی متذکر شده‌اند که چنانچه در قرارداد عملیات مشترک این امکان پیش‌بینی شده باشد که راهبر بتواند پیش از به بار آمدن هزینه‌ها، از طرفهای غیرراهبر مطالبه وجه نماید، یا نفت تولیدی را از سوی کلیه طرفها بفروشد و وجوه حاصل را به حساب طرفهای بگذارد، ممکن است اماره‌ای بر تشکیل شراکت تلقی گردد (Roberts and Fowler, 2020: 304).

با این همه، امکان وجود شراکت بدون سرمایه مشترک نیز وجود دارد. این موضوع در پرونده فورمونت علیه کوپلند² در سال 1824 در انگلستان و نیز پرونده جورج علیه پلایت³ در سال 1954 در ایالت تگزاس آمریکا مورد تأیید قرار گرفته است. در پرونده قدیمی کوپ علیه ایر⁴ 1788 و گیبسون علیه لوپتون⁵ در سال 1832 بر این حکم شد که در صورتی که نفت و گاز تولیدی به صورت جنس بین طرفها تقسیم شود، شراکت وجود نخواهد داشت. اما در یک پرونده در آمریکا (میدیسون علیه آی.آر.اس)⁶ در سال 1980 برخلاف این موضوع حکم شد. برخی نتیجه‌گیری کرده‌اند که تقسیم محصول به صورت

¹ Beckenham v. Port Jackson and Manly Steamship Co (1957) 57 SR (NSW) 403.

² Formont v. Coupland (1824) 2 Bing 170.

³ George Hall & Son v. Plait (H M Inspector of Taxes) (1954) 35 Tax Cas. 440.

⁴ Coope v. Eyre (1788) 1 H. Bl. 37.

⁵ Gibson v. Lupton (1832) 131 ER 626.

⁶ Madison Gas and Electric Company v. IRS (1980) 633 F 2d 512.

جنس (نه فروش محصول و تقسیم عاید حاصل از فروش) اماره‌ای (و نه دلیل قطعی) بر عدم وجود شراکت است که می‌توان خلاف آنرا نیز به اثبات رساند (Taylor and Tyne, 1992:25).

در مورد امکان داشتن فعالیت‌های مشابه و رقابتی، نیز با پیش‌بینی امکان انجام عملیات غیرمشترک در قراردادهای عملیات مشترک، شناسایی این قرارداد را به عنوان عقد شراکت را دشوارتر می‌کند (Taylor and Tyne, 1992:25; Roberts and Fowler, 2020:302). ماده 7 نمونه قرارداد انجمن به موضوع عملیات غیرمشترک پرداخته است.

همچنین در مورد استقلال شراکت در تملک اموال و استخدام اشخاص باید گفت در قراردادهای عملیات مشترک، نیروی کار استخدامی از سوی راهبر، صرفاً مستخدم راهبر محسوب می‌شود. در پرونده تلویژن علیه اشتونز¹ در سال 1979 دادگاه به این دلیل حکم به عدم وجود شراکت نمود که افراد استخدام شده توسط یکی از طرفها که برای جوینت ونچر کار می‌کنند، مستخدمین همان طرف محسوب می‌شوند نه مستخدمین همه طرفها مجتمعاً (Taylor and Tyne, 1992:26; Roberts and Fowler, 2020:305). همچنین، در قرارداد عملیات مشترک، هریک از طرفها حق مالکیت مشاعی در اموال عملیات مشترک، به نسبت سهم خود، خواهند داشت (Roberts and Fowler, 2020:305). در نمونه قرارداد انجمن نیز اموال مشترک متعلق به همه طرفها است.

در قرارداد عملیات مشترک نفتی، حتی پس از انتقال حقوق یا خروج، ممکن است مسئولیت‌هایی راجع به برچیدن تأسیسات داشته باشند. در مورد حق فسخ یا انحلال قرارداد، معمولاً در قراردادهای عملیات مشترک چنین حق یا اختیاری برای طرفین وجود ندارد. با انجام یا منتفی شدن موضوع، شراکت از بین می‌رود اما اگر قرارداد بالادستی اصلی منحل شود، ممکن است قرارداد عملیات مشترک درخصوص برخی موضوعات ادامه یابد.

بطور کلی، برخی اظهار داشته‌اند که به نظر اکثریت نویسندگان حقوق انگلستان قرارداد عملیات مشترک ماهیتاً عقد شراکت نیست. بلکه می‌توان گفت قرارداد عملیات مشترک یک بستر و پلتفرمی برای گردهم آمدن شرکتهای نفتی جهت انجام فعالیت اقتصادی جهت کسب سود است. (Shaw, 1996:15; Roberts and Fowler, 2020:306).

¹ Television Broadcaster Ltd v. Ashtons Nominees Pty Ltd (1979) 22 SASR 522.

۳-۲. شرایط ایجاد شراکت معدنی (Mining Partnership) و راهکار جلوگیری از اعمال مقررات آن نسبت به قرارداد عملیات مشترک نفتی

۳-۲-۱. شرایط ایجاد شراکت معدنی و خصائص آن

شراکت معدنی، قالبی است که در آمریکا مطرح است. یکی از انواع شراکتها در آمریکا شراکت معدنی است. شراکت معدنی در جایی مطرح می‌شود که چند شخص مالک یک معدن هستند. روابط بین مالکان مشترک معدن، تحت مقررات عام مالکیت مشترک بر مال غیرمنقول قرار می‌گیرد. برای اینکه یک شراکت معدنی وجود داشته باشد، باید پنج شرط فراهم آید. اولین شرط اشتراک در مالکیت است، یعنی باید دو یا چند شخص بطور مشترک مالک یک معدن یا مخزن نفتی باشند. به صرف اشتراک در تصرف نمی‌توان به وجود شراکت معدنی بین شرکا حکم داد (Wrightington, 2002: 68-9). بنابراین، مستنداً به پرونده دانبار علیه اولسن^۱ در سال 1953، صرف انجام عملیات نفتی از سوی یکی از مالکین، باعث ایجاد شراکت معدنی بین آنها نمی‌گردد.

شرط دوم برای ایجاد شراکت معدنی این است که شرکا عملیات نفتی را بطور مشترک انجام دهند. اما، در خصوص اینکه چه چیزی عملیات مشترک محسوب می‌شود، در رویه قضائی آمریکا اختلاف نظر وجود دارد. در پرونده مایستر علیه فارو^۲ در سال 1939 در ایالت مونتانا حکم شد که نیازی نیست همه شرکا در عملیات نفتی بطور فیزیکی شرکت داشته باشند، تا به آن عملیات، عملیات مشترک اطلاق شود، بلکه صرف مشارکت شرکا در تأمین هزینه‌ها کفایت می‌کند. در پرونده استفن علیه آلن^۳ در سال 1952 و پرونده بنتلی علیه بروسارد^۴ در سال 1908 نیز اذعان شد که عملیات نفتی صرفاً از سوی یکی از طرفها (راهبر) و این مانع از تحقق شراکت معدنی نیست (Williams and Meyers, 1, 2018: § 435). سومین شرط این است که بین طرفها توافقی مبنی بر شریک بودن در سود و زیان وجود داشته باشد که البته لازم نیست این توافق صریح باشد (پرونده ماد کنترلر علیه کاوی^۵ در سال 1954 و پرونده مانسی علیه میلز در سال 1926).

¹ Dunbar v. Olson, 349 Ill. App. 308, 110 N.E.2d 664, 2 O.&G.R. 321 (1953).

² Meister v. Farrow, 109 Mont. 1, 92 P.2d 753 (1939).

³ Stephens v. Allen, 314 Ky. 769, 237 S.W.2d 72, 24 A.L.R.2d 1353 (1951).

⁴ Bentley v. Brossard, 33 Utah 396, 94 P. 736 (1908).

⁵ Mud Control Laboratories v. Covey, 2 Utah 2d 85, 269 P.2d 854, 3 O.&G.R. 1572 (1954).

شرط چهارم وجود نمایندگی مشترک است. در نتیجه شراکت، هریک از طرفها نماینده سایر طرفها می‌شود که به آن نمایندگی مشترک (متقابل)^۱ گفته می‌شود. از این رو، برخی از دادگاه‌های آمریکا وجود نمایندگی مشترک بین طرفهای عملیات مشترک نفتی را دلیل بر وجود شراکت معدنی گرفته‌اند. وجود نمایندگی مشترک بعنوان معیاری برای سنجش وجود شراکت معدنی، مورد انتقاد قرار گرفته است. در پرونده میهان علیه ولنتاین^۲ در سال ۱۸۹۲ اینگونه بیان شد: «استناد به نمایندگی بعنوان معیاری قاطع برای سنجش وجود شراکت مناسب نیست، زیرا نمایندگی خود نتیجه شراکت است [نه اینکه شراکت نتیجه نمایندگی باشد]» (Jones, 1934: 429).

علاوه بر شروط بالا، دادگاه‌های آمریکا اجتماع منافع^۳ را نیز جز شروط تشکیل شراکت معدنی ذکر نموده‌اند. اما این اصطلاح تابحال تعریف نشده است (Williams and Meyers, 1, 2018: § 435). به نظر برخی در صورت وجود چهار شرط فوق، جایی تردیدی در وجود شرط اجتماع منافع باقی نمی‌ماند (Jones, 1934: 428).

۲-۳-۲. راهکار جلوگیری از اعمال مقررات شراکت معدنی بر قرارداد عملیات مشترک نفتی

از بین نمونه قراردادهای، نمونه قرارداد انجمن کارگزاران تخصصی نفتی آمریکا^۴ بیشترین تأثیر را از الزامات و مقررات آمریکا پذیرفته، لذا راهکارهایی که در این جا ذکر شده براساس این نمونه قرارداد است. اولین بحث در مورد اثر تصریح طرفها به عدم وجود شراکت معدنی در روابط فیما بین است. به موجب حقوق آمریکا در صورتی که شرکا در عملیات بصورت مشترک دخالت داشته باشند، دادگاه‌ها حکم به وجود شراکت معدنی خواهند داد. در پرونده ماد کنترل علیه کاوی^۵ در سال ۱۹۵۴ در ایالت یوتا دادگاه به دلیل وجود حداقل کنترل مشترک در عملیات نفتی، رأی به شراکت معدنی داد (Williams and Meyers, 1, 2018: § 435.2). به همین دلیل است که نمونه قراردادهای عملیات مشترک در آمریکا، کمیته راهبری را پیش‌بینی نمی‌کنند تا وجود کنترل مشترک و تبعاً احتمال وجود شراکت معدنی را متفی نمایند. این موضوع را می‌توان در نمونه قرارداد انجمن کارگزاران تخصصی نفتی آمریکا مشاهده نمود.

¹ mutual agency

² Meehan v. Valentine, 145 U.S. 611, 12 Sup.Ct. 972, 36 L.Ed. 835 (1892).

³ community of interest

⁴ American Association of Professional Landmen (APPL)

⁵ Mud Control Laboratories v. Covey, 2 Utah 2d 85, 269 P.2d 854, 3 O.&G.R. 1572 (1954)

در این جهت توصیه‌هایی نیز شده است. اولین توصیه پرهیز از بکار بردن عبارات «مشترک» یا «عملیات نفتی مشترک» در عنوان یا مفاد قرارداد است. توصیه شده است که در قرارداد اجاره نفتی، انتقال مالکیت یا حقوق بعنوان عوض به مستأجر، معلق بر تکمیل و اتمام حفاری باشد. در اینصورت، در طی عملیات حفاری، مالکیتی به مستأجر منتقل نشده و اشتراک در مالکیت ایجاد نمی‌شود تا بحث شراکت معدنی مطرح شود. اما اگر پس از انتقال مالکیت یا حقوق به مستأجر، عملیات همچنان به همان وضعیت قبلی ادامه یابد (چه به موجب قرارداد قبلی یا یک قرارداد جدید) احتمال ایجاد شراکت معدنی وجود خواهد داشت. همچنین توصیه شده که در قرارداد میان مالک و ارائه‌دهنده خدمات حفاری، مالک، اجاره نفتی را بطور تام و کامل واگذار نماید و برای خود صرفاً یک مالکیت یا حق غیرعملیاتی¹ مانند امتیاز بالاسری یا سود خالص نگه دارند. در اینصورت، ممکن است این اختیار به مالک اعطا شود که بتواند بعداً حق یا مالکیت غیرعملیاتی خود را به حق یا مالکیت عملیاتی تبدیل نماید. در اینخصوص باید یادآور شد که علی‌رغم توافق طرفها جهت جلوگیری از بروز اشتراک در مالکیت، اگر سایر عناصر شراکت معدنی (به ویژه اشتراک در کنترل عملیات نفتی) وجود داشته باشد، ممکن است دادگاه از فرم ظاهری قرارداد خرق حجاب² نموده و به این نتیجه برسد که در ماهیت قرارداد اشتراک در مالکیت وجود داشته و در نتیجه شراکت معدنی وجود دارد. همچنین، اگر حقوقی انتقالی به پیمانکار حفاری در قبال خدمات حفاری این قابلیت را از لحاظ حقوقی داشته باشد که بتوان در ازای نقض آن به اجرای عین تعهد را از دادگاه خواست، دادگاه وضعیت را اشتراک در مالکیت و در نتیجه شراکت معدنی تشخیص خواهد داد. در پرونده لیون علیه استکول³ در سال 1939 در ایالت اکلاهما دادگاه اینگونه حکم داد که برای شناسایی قرارداد عملیات مشترک تحت عنوان شراکت معدنی مالکیت در زمین لازم نیست. در پرونده بتلی علیه بروسارد⁴ در سال 1908 در ایالت یوتا دادگاه چنین حکم داد: «حتی اگر همه طرفها در اموال و املاک موضوع شراکت، مالکیت یا حق مستقیم نداشته باشند نیز، در صورت منتفع شدن شرکا از نتیجه و حاصل

¹ non-operating/non-working interest

² piercing the veil

³ Lyons v. Stekoll, 1939 OK 395, 186 Okla. 94, 96 P.2d 60 (1939).

⁴ Bentley v. Brossard, 33 Utah 396, 94 P. 736 (1908).

بکارگیری این اموال یا انجام عملیات معدنی، شراکت معدنی قابل تصور است» (Williams and Meyers, 1, 2018: § 435.2)

در پرونده اکلاه‌ما کمپانی علیه اونیل^۱ در سال ۱۹۵۸ در ایالت اکلاه‌ما، طرفهای قرارداد عملیات مشترک نفتی صراحتاً قید نمودند که قرارداد آنها شراکت معدنی محسوب نمی‌شود و دادگاه استدلال برخی از طرفها که قرارداد را شراکت دانسته و برای فسخ قرارداد به دلیل نقض تعهد امانی اقامه دعوا نمودند را رد کرده و تصریح در قرارداد به عدم وجود شراکت را معتبر دانست. در پرونده‌های دیگری^۲ نیز به این گونه شروط اعتبار داده شده است. با اینحال، باید در نظر داشت که اولاً، چنین شروطی در دعاوی اشخاص ثالث قابل استناد نیست، برای مثال اگر در دعاوی شخص ثالث علیه یکی از طرفها این مسئله مطرح شود که سبب دعوا، مسئولیت مدنی است یا مسئولیت قراردادی، این شرط نمی‌تواند در مقابل ثالث تعیین‌کننده باشد. ثانیاً، با درج این شروط، مالک زمین (که در عملیات نفتی دخالت نمی‌کند) نمی‌تواند در مقابل اشخاص ثالث به شراکت نبودن قرارداد استناد کند و از مسئولیتها یا تعهدات خود ناشی از قرارداد شراکت سربازند اما این شرط، او را از حقوقی که ممکن است در مقابل انجام‌دهنده عملیات نفتی بر مبنای شراکت دانستن قرارداد، داشته باشد محروم می‌سازد (Williams and Meyers, 1, 2018: § 435.2).

۴-۲. راهکار قضائی: شناسایی قرارداد عملیات مشترک تحت عنوان جوینت ونچر

یکی از راهکارهایی که رویه قضایی انگلستان و آمریکا ارائه داده، شناسایی جوینت ونچر بعنوان یک قالب قانونی جدای از شراکت و شراکت معدنی و اعمال احکام و آثار آن نسبت به قرارداد عملیات مشترک نفتی است. این قالب در رویه قضایی انگلستان جدیداً در حال شناسایی است اما در آمریکا سالهاست که به رسمیت شناخته شده است.

¹ Oklahoma Co. v. O'Neil, 1958 OK 286, 333 P.2d 534, 10 O.&G.R. 548 (Okla. 1958).

² Cross v. Pasley, 270 F.2d 88, 11 O.&G.R. 344 (8th Cir. 1959), cert. denied, 362 U.S. 902, 80 S. Ct. 608, 4 L. Ed. 2d 554; Hill v. Field, 384 F.2d 829, 27 O.&G.R. 747 (10th Cir. 1967); Covert v. Cross, 331 S.W.2d 576, 11 O.&G.R. 823 (Mo. 1960).

در پرونده‌های اخیر در انگلستان در جهت شناسایی جوینت‌ونچر قراردادی، جدای از مفهوم شراکت، تلاش شده است. در پرونده اسپری علیه اوروک^۱ در سال 1999 در دادگاه عالی عدالت، در قرارداد اصحاب دعوی، سهم هریک از شرکا بطور جداگانه نه به صورت مشترک تعیین شده بود. بدین معنا که ممکن است یکی از شرکا سود برده و دیگری زیان کند و به همین دلیل شرط شریک بودن در سود و زیان (مشترک بودن سود و زیان) که در ماده 2 قانون شراکت مصوب 1890 آمده فراهم نمی‌آید. همین موضع در پرونده سیمون علیه لاگان^۲ در سال 2007 در دادگاه پژوهش ایرلند شمالی اتخاذ شد. در این پرونده اظهار شد که اگرچه جوینت‌ونچر با شراکت شباهتهایی دارد اما دو مفهوم جداگانه است. همچنین بیان شد که اگرچه در جوینت‌ونچر شرکتی، شرط مشترک بودن در سود و زیان فراهم می‌گردد اما در جوینت‌ونچر قراردادی به دلیل ساختار متفاوتش این شرط برآورده نمی‌شود. همچنین است در مورد پرونده‌های تاد علیه آدمز^۳ در سال 2002، ونچر علیه نیوان^۴ در سال 2010، شل علیه دانا^۵ در سال 2010، ایتاکا علیه ان.اس.سی^۶ در سال 2012 و هاشوانی علیه او.ام.وی^۷ در سال 2015. این پرونده‌ها بیانگر تمایل فزاینده دادگاه‌های انگلستان نسبت به شناسایی قرارداد عملیات مشترک نفتی تحت مفهوم جدید جوینت‌ونچر (جدای از مفهوم قانونی شراکت) است (Styles, 2018: 2.19).

در آمریکا تفاوت بین شراکت معدنی و جوینت‌ونچر ظریف است و بعضاً نیز تفاوت این دو انکار شده است. برخی تفاوت جوینت‌ونچر را با شراکت به این دانسته‌اند که جوینت‌ونچر معمولاً (اما نه لزوماً) صرفاً برای یک فعالیت واحد تشکیل می‌شود (Williams and Meyers, 1, 2018: 437). با اینحال، جوینت‌ونچر در آمریکا تعریف قضائی خاص دارد. در آمریکا درخصوص شناسایی مفهومی حقوقی تحت عنوان جوینت‌ونچر جدای از مفهوم شراکت پرونده‌های متعددی مطرح شده است. در پرونده

¹ Spree Engineering & Testing Ltd v. O'Rourke Civil & Structural Engineering Ltd, unreported, 1999 WL 33453546 (High Court of Justice, Queen's Bench Division)

² Seymour Sweeney v. Lagan Developments Limited, Seamus McCloy, John Walker, Thomas Wilson [2007] NICA 11.

³ Todd and Others v. Adams [2002] 2 All ER (Comm) 97.

⁴ Venture North Sea Gas Ltd v. Nuon Exploration & Production UK Ltd [2010] EWHC 204 (Comm).

⁵ Shell Egypt West Manzala GMBH v. Dana Gas Egypt Ltd (formerly Centurion Petroleum Corp) [2010] EWHC 465 (Comm).

⁶ Ithaca v. NSE4 [2012] EWHC 1793 (QB).

⁷ Hashwani & Ors v. OMV Maurice Energy Ltd [2015] EWCA Civ 1171; [2015] 2 CLC 80.

گاردنر علیه وسنر^۱ در سال ۱۹۳۲ در ایالت تگزاس اصطلاح جوینت ونچر و شراکت معدنی را یک مفهوم قلمداد نموده است. همچنین، در پرونده ویلکاکس علیه امپایر^۲ در سال ۱۹۵۲ در ایالت اکلاهما اینگونه بیان شد که باتوجه به اینکه دادگاه عالی اکلاهما حکم بر این داده که در صورت انعقاد قرارداد جوینت ونچر، مقررات مربوط به شراکت بر آن حاکم است، حل اختلاف طرفین در تفاوت داشتن جوینت ونچر با شراکت ضرورتی ندارد. در پرونده ویتسل علیه پورتر^۳ در سال ۱۹۴۹ در ایالت کنتاکی و پرونده آمریکا علیه استاندارد اویل^۴ در سال ۱۹۵۷ در ایالت نیویورک، دادگاه جوینت ونچر را بعنوان یک مفهوم قانونی و حقوقی در حال توسعه دانست. در پرونده ساندویک علیه لاکروس^۵ در سال ۲۰۰۸ در دادگاه عالی ایالت داکوتای شمالی، جوینت ونچر را شبیه شراکت معدنی دانسته اما با این تفاوت که جوینت ونچر محدود به یک فعالیت مشخص و مدت معین است و قوانین حاکم بر شراکت بر جوینت ونچر حاکم است. در این پرونده برای ایجاد جوینت ونچر چهار شرط ذکر شده است. اول، مشارکت طرفها (با آورده پول، مال، زمان یا مهارت) در انجام یک فعالیت مشترک. دوم، داشتن حق مالکانه یا حق کنترل متقابل (مشترک) بر اموال مشارکت. سوم، توافق صریح یا ضمنی طرفها مبنی بر شریک بودن در سود. البته توافق در خصوص شریک بودن در زیان لازم نیست ولی معمولاً این توافق نیز بین طرفها صورت می گیرد. چهارم، انعقاد قرارداد صریح یا ضمنی که دلالت بر تشکیل جوینت ونچر نماید (Williams and Meyers, 1, 2018: 435.2; Williams and Meyers, 2, 2018: 1708).

در ایالت تگزاس چهار شرط برای تشکیل جوینت ونچر لازم دانسته شده است. اجتماع منافع در جوینت ونچر، توافق بر شریک بودن در منافع، توافق بر شریک بودن در زیانها، حق متقابل و مشترک طرفها در کنترل و مدیریت عملیات. در سایر ایالتها، مانند کلرادو، ممکن است قرارداد عملیات مشترک، جوینت ونچر محسوب شود. در ایالت وایومینگ چهار معیار برای تشخیص جوینت ونچر تعیین نموده اند. اول اینکه شرکا باید در جوینت ونچر آورده^۶ داشته باشند که می تواند خدمات، مهارت، دانش، اجناس یا پول باشد. دوم اینکه شرکا باید در منافع شریک باشند. سوم اینکه باید مالکیت مشترک و نیز کنترل

^۱ Gardner v. Wesner, 55 S.W.2d 1104, 1106 (Tex. Civ. App. 1932).

^۲ Wilcox Oil Co. v. Empire Oil Co. of Texas, 195 F.2d 860 (5th Cir. 1952).

^۳ Whitsell v. Porter, 309 Ky. 247, 217 S.W.2d 311 (1949).

^۴ United States v. Standard Oil Co., 155 F. Supp. 121, 148 (S.D. N.Y. 1957), aff'd, 270 F.2d 50 (2d Cir. 1959).

^۵ Sandvick v. LaCrosse, 2008 ND 77, 747 N.W.2d 519.

^۶ contribution

مشترک بر موضوع عملیات وجود داشته باشد. چهارم، جوینت ونچر معمولاً مربوط به یک موضوع خاص و واحد است تا اینکه دربردارنده چندین قرارداد یا موضوعات مختلف باشد (Williams and Meyers, 1, 2018: 437).

در پرونده‌های جدید نیز تعریف جوینت ونچر مورد نظر قرار گرفته است. در پرونده دادگاه هاردویک علیه اسمیت^۱ در سال ۲۰۱۷ در ایالت تگزاس چهار عنصر برای جوینت ونچر لازم دانسته است: اجتماع منافع، توافق بر شریک بودن در منافع، توافق بر شریک بودن در زیانها و کنترل یا مدیریت مشترک بر فعالیت موضوع جوینت ونچر. در این پرونده آمده است که توافق طرفها بر عدم وجود جوینت ونچر در روابط فیما بین و نیز عدم وجود روابط امانی محترم شناخته می‌شود. همین امر در پرونده بکام علیه مانتل^۲ در سال ۲۰۱۰ در ایالت تگزاس مورد تأیید قرار گرفته است.

در صورت تشکیل جوینت ونچر هریک از شرکا عموماً این اختیار را دارند که اموال موضوع فعالیت جوینت ونچر را فروخته یا انتقال دهند مشروط بر اینکه چنین امری صراحتاً منع نشده و این فروش برای پیش‌برد فعالیت موضوع جوینت ونچر باشد. این موضوع در پرونده دیوالت علیه باروک^۳ در سال ۱۹۵۴ در ایالت وایومینگ مورد تأیید قرار گرفته است (Williams and Meyers, 1, 2018: 437.1). از منظر قوانین مالیاتی، جوینت ونچر تابع مقررات شراکت است و اموال جوینت ونچر بعنوان اموال شراکت تلقی می‌گردند (Williams and Meyers, 1, 2018: 437.2).

بطور کلی، با توجه به اینکه در قراردادهای عملیات مشترک در آمریکا (به دلیل عدم پیش‌بینی کمیته راهبری در قرارداد)، مدیریت مشترک وجود ندارد، و از طرفی یکی از شروط اصلی برای قالب قانونی جوینت ونچر در آمریکا داشتن کنترل مشترک است، پس این قراردادها جوینت ونچر محسوب نخواهند شد.

¹ Hardwick v. Smith Energy Co., 500 S.W.3d 474 (Tex. App.—Amarillo 2016), vacated in aid of settlement, 2017 Tex. LEXIS 290 (Tex. Mar. 10, 2017).

² Beckham Resources, Inc. v. Mantle Resources, LLC, 2010 Tex. App. LEXIS 1323 (Tex. App.—Corpus Christi Feb. 25, 2010, pet. denied).

³ Dayvault v. Baruch Oil Corp., 211 F.2d 335, 3 O.&G.R. 1161 (10th Cir. 1954).

۳. قالبهای قانونی ایران و شرایط آن

در حقوق ایران، امکان دارد قرارداد عملیات مشترک در سه قالب «شرکت مدنی»، «شرکت تجاری» و نیز «گروه اقتصادی با منافع مشترک» شناسایی و مقررات مربوط به این قالبها بر قرارداد عملیات مشترک حاکم گردد.

۳-۱. شرکت مدنی

اولین قالبی که می‌توان برای قراردادهای عملیات مشترک در نظر گرفت، شرکت مدنی (مواد 571 الی 606 قانون مدنی) است. آنچه که به موجب قانون مدنی شرکت محسوب می‌شود، مشاع بودن یک مال بین دو یا چند شخص است. لذا، راه‌اندازی فعالیت اقتصادی با هدف کسب سود مشترک، در حقوق ایران دلیل وجود شرکت نیست. با اینحال، برخی حقوقدانان تلاش نموده‌اند با تعریفی عام از شرکت، نیز ارائه دهند: «عقودی است که در آنها دو یا چند شخص برای رسیدن به هدف معین و بدست آوردن سود احتمالی و مشترک باهم متحد می‌شوند، خواه آنچه در میان می‌نهند مال معین باشد یا طلب و اعتبار یا کار یا مخلوطی از اینها» (کاتوزیان، 93: 6-7).

موضوع اصلی قرارداد عملیات مشترک، مال مشاع نیست. هرچند که در تأسیسات و اموال عملیات نفتی این اشاعه وجود دارد اما جوهره اصلی قرارداد عملیات مشترک تعهد هریک از طرفها به پرداخت سهم مشخصی از هزینه‌های عملیات و استحقاق (وتعهد) به برداشت سهم مشخصی از نفت تولیدی است. در تفاوت شرکت مدنی و شراکت در انگلستان باید گفت، برخلاف حقوق انگلستان، هیچ‌یک از شرکا نمی‌تواند بدون رضایت تمامی شرکا دیگر، آنها را مدیون یا متعهد سازد (ماده 581 قانون مدنی) اما، راهبر یا مدیر در قانون مدنی ایران ظاهراً از آزادی بیشتری و از محدودیتهای کمتری نسبت به راهبر یا مدیر در حقوق انگلستان برخوردار است که متعهد به وظایف امانی است. طبق ماده 577 قانون مدنی: «شریکی که در ضمن عقد به اداره کردن اموال مشترک مأذون شده است می‌تواند هر عملی را که لازمه اداره کردن است انجام دهد و به هیچ وجه مسئول خسارات حاصله از اعمال خود نخواهد بود مگر در صورت تفریط یا تعدی». قسمت اخیر این ماده نیز در راستای اصل «نه زیان» است که شریک مأذون نباید به واسطه اداره مال مشاع، متحمل ضرر گردد ولی نمی‌توان اصل «نه سود» را از آن استنباط نمود که به موجب آن شریک مأذون نباید از موقعیت برتر خود سود برده و منفعتی تحصیل نماید. مسئولیت پرداخت دیون برای شرکا نیز به نسبت سهم‌الشرکه است، در حالی که در حقوق انگلستان (ماده 9 قانون

شراکت مصوب 1890) این مسئولیت، مشترک (تضامنی) است. همچنین، شرکا در حقوق ایران می‌توانند اختیارات شریک مأذون را محدود کرده اعم از اینکه اشخاص ثالث از این محدودیتها آگاه باشند یا خیر و نیز می‌توانند هر زمان که می‌خواهند از اذن خود بگردند و به صرف رجوع یکی از شرکای اذن‌دهنده، کل اذن باطل می‌شود.

التهیه، در خصوص شرکت مدنی باید دو مسئله را در نظر داشت. اولاً، مطابق ماده 220 قانون تجارت، مشارکت باید در قالب شرکت به ثبت برسد در غیراینصورت شرکت تضامنی محسوب می‌شود. ثانیاً، رعایت الزامات سهم داخل که به موجب قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی مصوب 1398 وضع گردیده مستلزم ثبت قرارداد عملیات مشترک، در قالب شرکت و یا گروه اقتصادی با منافع مشترک است و صرف انعقاد قرارداد عملیات مشترک بدون ثبت آن به صورت شرکت یا گروه اقتصادی با منافع مشترک، اکتفا نمی‌کند.¹

۳-۲. گروه اقتصادی با منافع مشترک

قانونگذار ایرانی قالبی را تحت عنوان «گروه اقتصادی با منافع مشترک» را به موجب ماده 24 قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب 1395 (و پیش‌تر در ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور) با الگوبرداری از آنچه که در سیستمهای حقوقی نوشته تحت عنوان گروه منافع اقتصادی وجود دارد شناسایی کرده است.²

¹ بند 9 ماده 1 این قانون مقرر می‌دارد: «مشارکت ایرانی - خارجی: شرکت متشکل از اشخاص حقیقی یا حقوقی ایرانی و خارجی و یا گروه اقتصادی که با منافع مشترک (کنسرسیوم) از این اشخاص براساس قرارداد قانونی معتبر برای انجام طرح (پروژه) مشخص، تشکیل شده است».

² این قالب حقوقی در اتحادیه اروپا تحت عنوان گروه منافع اقتصادی اروپایی (European Economic Interest Groups) به موجب دستورالعمل شماره 2137/85 در سال 1985 میلادی شناسایی شد. این گروه در حقوق انگلستان شراکت محسوب نمی‌شود، زیرا علی‌رغم تشکیل این گروه، فعالیت اقتصادی هریک جدا خواهد ماند و به معنای حقوق انگلستان، اشتراک در فعالیت اقتصادی ایجاد نخواهد شد. در حقوق اروپا، گروه اقتصادی را از گروههای شرکتی تفکیک می‌کنند، زیرا در گروههای شرکتی یک شرکت مادر کنترل شرکتها را در اختیار داشته و یک واحد اقتصادی محسوب می‌شود. در پرونده ویهو علیه کمیسیون اروپایی (Viho Europe BV v. EC Commission [1997] All ER (EC) 163) در سال 1997، دیوان دادگستری اروپا با شناسایی یک گروه شرکتی که در آن یک شرکت مادر را که بر شرکتها تابعه خود محدودیتهایی بر توزیع محصولات وضع نموده بود، مشمول ماده 85 معاهده اتحادیه اروپا ندانست، زیرا بر این اعتقاد بود که شرکت مادر با شرکتها

به موجب ماده 24 قانون مذکور، گروه اقتصادی چندین ویژگی دارد. یک، گروه اقتصادی حتماً باید مدت دار باشد و تشکیل گروه اقتصادی بدون مدت امکان پذیر نیست. دو، قرارداد مربوطه باید کتبی بوده و نزد مرجع ثبت شرکتها در قالب شرکت مدنی به ثبت برسد. همچنین تشکیل گروه نباید منجر به انحصار گردد. سه، به موجب تبصره 1 این ماده، تغییر در حیطه اختیارات مدیران در قرارداد در قبال اشخاص ثالث قابل استناد نیست و اعضای گروه به طور تضامنی مسؤول پرداخت دیون گروه از اموال شخصی خود می باشند، مگر اینکه با اشخاص ثالث طرف قرارداد به ترتیب دیگری توافق شده باشد. مراجع ثبت کننده در صورتی نسبت به ثبت این شرکتها اقدام می کنند که در قرارداد، شرایط تضامن قید شده باشد. چهار، عملیات مربوط به دفاتر تجاری و بازرسی مطابق ماده (6) قانون تجارت و مواد (151) و (152) لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب 1347 انجام می شود و تصفیه تابع قرارداد بین شرکا خواهد بود. پنج، فوت یا حجر یا ممنوعیت قانونی یکی از اشخاص حقیقی یا انحلال یا ورشکستگی یکی از اشخاص حقوقی موجب انحلال گروه می شود، مگر اینکه در قرارداد تشکیل گروه اقتصادی طور دیگری مقرر شده باشد.

۳-۳. شرکت تجاری

از دیگر قالبهایی که برای قرارداد عملیات مشترک می توان در نظر گرفت، شرکت تجاری است. این قالب را مقررات تصویب نامه شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز در سال 1394 صراحتاً پیش بینی کرده بوده اما در تصویب نامه 1395 حذف شد. البته به این معنا نیست که ثبت شرکت عملیات مشترک ممنوعیت دارد، بلکه، همانگونه که پیش تر گفته شد، در صورتی که در راستای رعایت الزامات سهم داخل، قرارداد عملیات مشترک، در قالب گروه اقتصادی یا شرکت تجاری به ثبت نرسد،

تابعه خود یک واحد اقتصادی محسوب می شوند نه چندین واحد اقتصادی مستقل که بین خود توافق ضد رقابتی منعقد کرده باشند (Blackett-Ord and Haren, 2015:2.51). مفهوم گروه شرکی از حقوق آلمان (Konzernrecht) رشد و نمو پیدا کرد و سپس به سایر کشورها راه یافت و بیشتر حول محور مسئله مسئولیت مدنی شرکت مادر می چرخد (Fedchuk, 2012:561-573). به همین دلیل گفته شده از لحاظ مقررات حقوق رقابت، انعقاد قرارداد عملیات مشترک بعید است شرایطی را که قوانین (مثلاً مقررات ادغام اتحادیه اروپا) معمولاً برای ادغام ضد رقابتی مقرر می دارند، فراهم آورد (Roberts and Fowler, 2020:29).

این قرارداد براساس ماده 220 قانون تجارت باید شرکت تضامنی محسوب شده و مقررات خاص شرکت تضامنی (که ممکن است بسیاری از آن خواست طرفها نباشد) بر روابط آنها حاکم گردد. در صورتی که طرفهای قرارداد عملیات مشترک بخواهند عملیات را در قالب شرکت تجاری یا گروه اقتصادی انجام دهند، اولاً، مطابق با به موجب بند (الف) ماده 5 قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی مصوب 1398، در صورتی که حداقل 51 درصد از عملیات متعلق به شرکتهای ایرانی باشد، باید ارجاع کار باید با پیشنهاد بالاترین مقام دستگاه اجرائی مربوطه به تصویب هیأت نظارت موضوع ماده 19 و تأیید وزیر صنعت، معدن و تجارت برسد. در صورتی که شرکتهای ایرانی کمتر از 51 درصد یا اساساً سهمی در عملیات مشترک نداشته باشند، ارجاع کار باید با پیشنهاد بالاترین مقام دستگاه مشمول این قانون با ارائه مستندات لازم به تصویب شورای اقتصاد برسد. همچنین در این مورد، گزارش موارد خاص تصویب شده در شورای اقتصاد موضوع این بند همراه با مستندات باید هر سه ماه یکبار به کمیسیونهای ذی ربط مجلس شورای اسلامی ارائه شود. ثانیاً، مطابق با «آیین نامه تشخیص قراردادهای مهم نفتی و نحوه انعقاد آنها»¹ مصوب 1396 هیأت وزیران، موضوعات مهم قراردادهای بالادستی نفتی (ارزش قرارداد، قانون حاکم، مدت قرارداد، توجیه فنی، اقتصادی و زیست محیطی، برآورد مبلغ سرمایه گذاری، زمان بندی اجرا و بازپرداخت و سقف تعهد دولت) باید به تصویب شورای اقتصاد برسد، همان مرجعی که در قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی باید امکان انعقاد قرارداد با شرکتهای خارجی را تصویب نماید. از سوی دیگر، مطابق با تصویب نامه در خصوص نحوه نظارت بر انعقاد و اجرای قراردادهای نفتی² مصوب 1395 هیأت وزیران مقامات و مراجع دیگری را برای تأیید برخی از جوانب و مفاد قرارداد وضع نموده که تأیید آنها علاوه بر شورای اقتصاد لازم است. بند یک این تصویب نامه چنین مقرر می دارد: «کلیات قراردادهای نفتی شامل قیمت، مدت و اعمال شرایط عمومی باید به تأیید وزیر نفت برسد» و مطابق با بند شش الحاقی به همین تصویب نامه: «بررسی عدم مغایرت قراردادهای منعقد شده با مصوبه دولت در خصوص شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز بر عهده

¹ نقل از روزنامه رسمی شماره 21156 مورخ 1396/08/04.

² نقل از روزنامه رسمی شماره 20803 مورخ 1395/05/18.

هیأتی با صلاحیت حقوقی، فنی، مدیریتی، سیاسی و امنیتی خواهد بود که اعضای این هیأت توسط رئیس‌جمهور تعیین می‌شود».

۴- نتیجه

در حقوق انگلستان ممکن است قرارداد عملیات مشترک، شراکت محسوب شده و آثار قانونی آن بر قرارداد حاکم گردد. معیار اصلی شراکت، شریک بودن در سود و زیان است؛ بدین معنا که تولیدات حاصل از عملیات موضوع شراکت، فروخته شده و عایدات حاصل از فروش به نسبت بین شرکا تقسیم می‌گردد. در قراردادهای عملیات مشترک برای اینکه مقررات مربوط به شراکت بر قرارداد تحمیل نگردد، قید می‌گردد که هریک از طرفها به طور جداگانه تولیدات سهمی خود را برداشت نمایند، نه اینکه نفت و گاز تولیدی مشترکاً به فروش رفته و عواید حاصل از فروش بین طرفها تقسیم گردد. تمایل رویه قضائی انگلستان نیز اخیراً به سمت عدم شناسایی شراکت برای قرارداد عملیات مشترک و شناسایی جوینت‌ونچر بعنوان قالبی جدید برای قراردادهای عملیات مشترک است. با اینحال، در حقوق انگلستان ممکن است برخی از آثار حقوقی قالب شراکت بر قرارداد عملیات مشترک تحمیل گردد، بدون اینکه خود قرارداد تحت عنوان شراکت، شناخته شود.

عنصر اصلی شراکت معدنی و جوینت‌ونچر در حقوق آمریکا، کنترل یا انجام عملیات بطور مشترک است. بدین معنا که اگر عملیات نفتی بصورت مشترک از سوی طرفهای قرارداد عملیات مشترک تحت کنترل و مدیریت قرار گیرد، ممکن است آثار قالب شراکت معدنی یا جوینت‌ونچر بر قرارداد عملیات مشترک تحمیل گردد. البته، اشتراک در عملیات بدین معنا نیست که لزوماً طرفها در عملیات فیزیکی مشارکت داشته باشند، بلکه صرف وجود حداقل کنترل و نظارت بصورت مشترک کافی است. به همین سبب، نمونه قراردادهای آمریکا در جهت حذف نهاد کمیته راهبری از قرارداد خود برآمده و سعی به اعطای اختیارات حداکثری به راهبر نموده است تا وجود حداقل کنترل مشترک را منتفی نمایند.

در حقوق ایران دو عنصر گفته شده در حقوق انگلستان و آمریکا (شراکت در سود و زیان و کنترل و مدیریت مشترک) برای شناسایی قرارداد عملیات مشترک بعنوان شرکت موضوع قانون مدنی یا قانون تجارت وجود ندارد. خاصه که ماده 220 قانون تجارت تا حدود زیادی تکلیف را مشخص نموده است. در همین جهت برای رعایت قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی مصوب 1398، قرارداد عملیات مشترک باید در قالب شرکت یا گروه اقتصادی با منافع مشترک

به ثبت برسد و صرف انعقاد قرارداد عملیات مشترک بدون ثبت آن به صورت شرکت یا گروه اقتصادی با منافع مشترک، شرایط این قانون را فراهم نمی‌آورد.

با اینحال، احتمال اعمال قانون ایران به عنوان قانون حاکم قرارداد عملیات مشترک (به موجب مقررات جدید نفتی ایران)، این امر را برای طرفها لازم می‌نماید که مقررات مربوط به ایران در اینخصوص را مدنظر قرار داده و جهت کنترل و مدیریت ریسک قانونی-قراردادی، مفاهیم و اصطلاحات کامن‌لایی موجود در قراردادهای عملیات مشترک را با مفاهیم قانونی ایران تطبیق نمایند.

۵- منابع

1. شیروی، عبدالحسین، (1393)، *حقوق نفت و گاز*، انتشارات میزان.
2. کاتوزیان، ناصر، (1393)، *حقوق مدنی، عقود معین*، جلد دوم (مشارکتها- صلح)، گنج دانش، چاپ دهم.
1. AIPN, (2006), **Guidance Notes to AIPN Model Form International Unitization and Unit Operating Agreement**.
2. AIPN, (2012), **Guidance Notes to AIPN 2012 Model Joint Operating Agreement**.
3. Blackett-Ord, Mark and Sarah Haren, (2015), **Partnership Law**, Bloomsbury Academic.
4. Fedchuk, Valery, (2012), **Modern Legal Regulation of Corporate Groups in National Private Law**, Uniform Law Review, Volume 17, Issue 3, pp. 561-573.
5. Fowler, Reg and others, (2019), **The AIPN Joint Operating Agreement: A Practical Guide**, Globe Law and Business.
6. Jackson, James, (1986), **Agency in Joint Operating Agreements and Joint Ventures**, 1986 AMPLA Yearbook, p. 239.
7. Jones, Lee Jr., (1934), **Mining Partnerships in Texas**, Texas Law Review, vol. 12, no. 4, pp. 410-434.
8. Kiesling, Bob, (1960), **Mining Partnerships**, Baylor Law Review, vol. 12, no. 1, pp. 103-112.
9. Lowe, John S., (2019), **Oil and Gas in a Nutshell**, West Academic Publishing, 7th edition.
10. Mosburg, Lewis, (1986), **Comment: The Joint Operating Agreement: Partnership or not?**, Journal of Energy & Natural Resources Law, Vol. 4, no. 2, pp. 80-84.
11. Pereira, Eduardo G., (2015), **Joint Operating Agreements, Challenges and Concerns from Civil Law Jurisdictions**, Kluwer Law International.
12. Pereira, Eduardo G., (2018), **Joint Operating Agreements: Risk Control for the Non-Operator**, second edition, Globe Law and Business.
13. Roberts, Peters and Reg Fowler, (2020), **Joint Operating Agreements**, 4rd Edition, Globe Law and Business.
14. Root, Thomas E., (1979), **Economic Influences on the History and Development of the Mining Joint Venture as a Vehicle for Hard Mineral Exploration and Development**, Natural Resources Lawyer, Vol. 12, No. 3, pp. 491-510.
15. Shaw, Sandy, (1996), **Joint Operating Agreements**, in Martyn R. David (ed), Upstream Oil and Gas Agreements, Sweet and Maxwell.
16. Styles, Scott Crichto, (2018), **Joint Operating Agreements**, in Greg Gordon, John Paterson, Emre Üşenmez (eds.), Oil and Gas Law: Current Practice and Emerging Trends, Vol. II, 3rd edition, Edinburgh University Press.
17. Taylor, Michael PG and Sally M Tyne, (1992), **Taylor and Winsor on Joint Operating Agreements**, 2nd Edition, Longman.

18. Treitel, Guenter, (2015), **The Law of Contract**, 14th edition (edited by Edwin Peel), Sweet & Maxwell.
19. Williams, Howard R. and Charles J. Meyers, (2018), **Oil and Gas Law**, (edited by Patrick H. Martin et. al), LexisNexis.
20. Williams, Howard R. and Meyers, Charles J., (2018), **Manual of Oil and Gas Terms: Annotated Manual of Legal, Engineering and Tax Words and Phrase**, (edited by Patrick H. Martin and Bruce M. Kramer), LexisNexis.
21. Wrightington, Sydney R., (2002), **The Law of Unincorporated Associations and Similar Relations**, The Lawbook Exchange, Ltd.

مقاله پذیرش شده